

سالروز تولد دکتر محمد مصدق را به دوستان و هواداران ایشان تبریک می گوئیم

محمد مصدق ملقب به مصدق السلطنه در سال ۱۲۶۱ هجری خورشیدی به دنیا آمد پدرش میرزا هدایت‌الله آشتیانی از رجال دوره ناصری و مادرش منکتاج خانم نجم السلطنه از نوادگان عباس میرزا ولیعهد قاجاری است که در زمره زنان نیکوکار دوران خود بود و ساخت بیمارستان نجمیه تهران از جمله اقدامات عام‌المنفعه این بانو بشمار می‌آید.

محمد مصدق تحصیلات مقدماتی را در تهران به پایان رساند و در سال ۱۲۸۶ هجری خورشیدی از طرف مردم اصفهان و در حالی که کمتر از ۳۰ سال داشت به نمایندگی مجلس انتخاب شد اما چون سنش از لحاظ قانونی برای شرکت در مجلس کمتر از حد نصاب بود، از رفتن به مجلس امتناع کرد زیرا معتقد بود هرکس از ابتدا شالوده و اصول زندگی‌اش بر مبنای بی‌قانونی ریخته شود هرگز خود نخواهد توانست مدعی اجرای عدالت باشد.



مصدق در سال ۱۲۸۷ هجری خورشیدی برای تحصیلات عالی به فرانسه عزیمت کرد و بعد از اتمام دوره مدرسه علوم سیاسی پاریس به دانشگاه نوشاتل سوییس وارد شد و در سال ۱۲۹۳ از پایان‌نامه مقطع دکتری خود با موضوع وراثت در مذهب شیعه دفاع کرد و با اخذ درجه دکتری حقوق به ایران بازگشت.

مصدق که از مخالفان قرارداد ۱۹۱۹ ایران و انگلستان بود در ۱۲۹۸ هجری خورشیدی به سوییس بازگشت و قصد کار در آن‌جا را داشت که مشیرالدوله نخست‌وزیر وقت وی را برای تصدی وزارت دادگستری برگزید.

مصدق در حین مراجعت به ایران از راه هندوستان و بندر بوشهر در پاییز ۱۲۹۹ هجری خورشیدی به عنوان والی فارس منصوب شد و وی چند ماه بعد در اسفند ۱۲۹۹ از به رسمیت شناختن کودتای سید ضیاءالدین طباطبایی امتناع کرد. چند ماه بعد با سقوط سید ضیاء در سال ۱۳۰۰ و روی کار آمدن دولت جدید به وزارت دارایی منصوب شد.

او در سال ۱۳۰۱ به حکومت آذربایجان انتخاب شد اما بعد از مدتی به علت عدم موافقت دولت مرکزی با دیدگاه‌هایش از این سمت استعفا داد. مصدق در سال ۱۳۰۲ به سمت وزیر امور خارجه منصوب شد و در سال ۱۳۰۳ در دوره پنجم قانون‌گذاری به نمایندگی از مردم تهران در مجلس شورای ملی انتخاب شد. در این دوره از مجلس مصدق از مخالفان سرسخت رضا خان بود و با واگذاری سلطنت به سردار سپه مخالفت کرد.

مصدق در دوره بعد مجلس نیز مجدداً به عنوان نماینده مردم تهران انتخاب شد و با تشکیل مجلس موسسان مخالفت کرد و پس از اتمام این دوره چون دولت در انتخابات مجلس دخالت کرد از سیاست کنار رفت و در روستای احمدآباد در غرب تهران اقامت گزید.

با اینکه مصدق از سیاست کنار بود در تیرماه ۱۳۱۹ سال‌های آخر حکومت رضا شاه توفیق و به بیرجند اعزام شد و تا آذر همان سال در زندان عمومی آن شهر محبوس بود و سپس مجدداً به احمدآباد تبعید شد.

پس از وقایع شهریور ۱۳۲۰ و سقوط حکومت رضا شاه در دوره چهاردهم

مجلس در سال ۱۳۲۲ و دوره شانزدهم مجلس در سال ۱۳۲۹ بار دیگر از طرف مردم تهران به عنوان نماینده پایتخت راهی مجلس شد.

مصدق در این دوره برای استیفای حق ملت ایران از شرکت نفت ایران و انگلیس و دولت انگلستان اقدامات مستمری را انجام داد و بصورت جدی و فراجیر به معارزه پرداخت و در ۲۹ اسفند ۱۳۲۹ قانون ملی شدن نفت را از تصویب مجلس شورای ملی و سنا گذراند و در اردیبهشت ۱۳۳۰ با هدف اجرای این قانون و قطع ید از شرکت نفت سابق نخست‌وزیری ایران را قبول کرد.

اکثر وقت مصدق در دوران نخست‌وزیری به اقداماتش علیه انگلیسی‌ها برای کنار زدن دست آنها از نفت ایران گذشت. مصدق در مهر ماه ۱۳۳۰ در راس هیات نمایندگی ایران برای پاسخ به شکایت انگلستان در مقر شورای امنیت سازمان ملل در نیویورک حاضر شد و نطقی منطقی مبنی بر براساس بودن ادعای انگلستان ایراد کرد و

پدینوسبیله همگان را نسبت به حقوق ایران در این زمینه آگاه ساخت.

در تیر ماه سال ۱۳۳۱ با اینکه مجلس هفدهم به نخست‌وزیری دکتر مصدق رای اعتماد داده بود وی به سبب اختلاف نظر با محمدرضا شاه پهلوی برای تصدی وزارت دفاع ملی از تشکیل دولت امتناع کرد و شاه نیز قوام السلطنه را به نخست‌وزیری منصوب کرد، اما ملت با قیام ۳۰ تیر حمایت خود را از مصدق اعلام و قوام السلطنه را وادار به استعفا کرد تا مصدق نخست‌وزیر شود.

از تیرماه ۱۳۳۱ تا ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ کشورهای استعمارگر انگلستان و آمریکا دربار شاه که از حمایت مردم از مصدق بیمناک شده بودند دست به طراحی برنامه‌ای جدی برای سقوط مصدق زدند که این اقدامات منجر به کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ که یکی از مهمترین حوادث تاریخی ایران بشمار می‌آید شد.

در مرداد ماه سال ۱۳۳۲ با کودتای عوامل دربار و سازمان «سیا» حکومت مردمی مصدق سقوط کرد و وی به همراه عده‌ای از همکارانش دستگیر و زندانی شدند. وی در پاییز سال ۱۳۳۲ در دادگاهی نظامی با وجود دفاعیات منطقی و حساب شده به سه سال زندان محکوم شد. مصدق پس از پایان دوره زندان در شهریور سال ۱۳۳۵ تحت‌الحفظ به روستای احمدآباد اعزام شد و تحت نظر مأموران «ساواک» بود تا در آذر سال ۱۳۴۶ به سبب بیماری تحت نظر «ساواک» به تهران منتقل شد و در سحرگاه ۱۴ اسفند ۱۳۴۶ درگذشت.

زنده‌یاد مصدق وصیت کرده بود که پیکر او در گورستان ابن بابویه به خاک سپرده شود اما حکومت شاه نه تنها اجازه انجام این کار را نداده و بازماندگان را مجبور به دفن جسد وی در احمدآباد کرد بلکه از برگزاری هر نوع مراسم یادبود برای رهبر ملی ایران نیز مخالفت کرد. با این همه هواداران و پیروان راه این رادمرد تاریخ ایران امیدوار هستند که در فرآیند مناسب جسد او را از احمدآباد به ابن‌بابویه انتقال داده و به این ترتیب به آخرین خواست و اراده او جامعه عمل ببوشانند.